

شهیدان - پیام اوران
زندگی؛ رزم و آینده



و شکوهمندی راه و رسم انسانی شان معنا می یابید. شهیدان هرچند به خاک اقتادگان، ولی پرچمداران پیکار و پایداری و چیرگی ناپذیری خلق ها در پرابر ستمکران و آزادی کشان، و هیام اوران زندگی و رزم و آینده خلق هایند. آنها ادامه در ص ۲

میتوانید این روز شهیدان و جنبش حزب را معرفی کنید؟

روز ۱۴ بهمن امسال مصادف با پیتاجامین سالگشت شهادت دکتر تقی ارانی، آموگزار گرانقدر زحمتکشان ایران، روز شهیدان حزب و جنبش است. این روز، روز گرامیداشت خاطره پاک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح و نوکردن بیمان برای تشدید مبارزه است.

ارانی، این اندیشور سلحشور و بزرگ خاور زمین، نه نخستین شهید تاریخ بود و نه آخرین آن . پیش از او، مردم ایران و دیگر خلق های جهان قافله ای از بهترین و قداکارترین فرزندان خود را از دست داده بودند و پس از شهادتش نیز چه بسیار دلاوران شهیدی که سر در نقاب خاک فرو بردند. راز این از جان گذشتگی ها و چشم فرویستن بر زیبایی های طبیعت و وداع زودرس با زندگی سپنجی و تکرار ناذهیر را باید نه در جنون انسانی، بل در پویش راه سعادت و نیکبختی انسان ها پیکاوی کرد. حمامه و قهرمانی شهیدان در والایی اندیشه ها

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران
به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تلاش کمونیست ها
برای نوسازی
سویسالیسم،
دموکراتیزه کردن
مناسبات بین المللی،
حفظ صلح و ایجاد
سیستم آمنیت همه
جانبه اقتصادی،
اجتماعی، سیاسی و
نظامی هستیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با بهترین آرزوهای انسانی و اقلایی، فرخنده سالکشت تولد سازمان فدائیان را به شما و از طریق شما به همه اعضاء و هواداران رزمnde تان شادباش می کوید.

<p>یابد. اگر در ایران با بحران اقتصادی - اجتماعی و بن بست اید، تولوچیک - سیاسی رئیم و نیز اندیشه‌ای بی سابقه آن در بن توده ها رویاروییم، در سطح جهان شاهد</p>	<p>کمونیستی و کارگری شاهد نفع روندها و پدیده های نوین و پراهمیتی هستیم که سیر و سرنوشت آنها با شیوه هستی و مبارزه ما پیوند سرشی می</p>	<p>رقا! ر سازمان فدائیان که در سال های زندگی پر فراز و نشیبیش در صحنه مبازه علیه ارجتعاع بالیده است، نزد همه میهن دوستان چهره یک سازمان مبارز، مدافع زمکنشان، آزادی دست و عدالتخواه را دارد.</p>
<p>اعلامیه انجمن همبس</p>	<p>سنديکاهوشوراهای کارگران و زحمتک</p>	<p>سازمان فدائیان که در سال های زندگی پر فراز و نشیبیش در صحنه مبازه علیه ارجتعاع بالیده است، نزد همه میهن دوستان چهره یک سازمان مبارز، مدافع زمکنشان، آزادی دست و عدالتخواه را دارد.</p>

اعلامیہ انجمان ہمبستگی

سندیکاهوشوراهای کارگران و زحمتکشان تهران و توابع

ولی در واقع این
کشمکش ، مهارزه
ایست بین کارگران و
ترحقتکشان از سوئی و
مجموعه رزم ضد
کارگری از سوی
دیگر غایبندگان مجلس
فرمایشی رزم ، ضمن
آنکه قانون کاری را به
ادامه داده ۷

چند روز پیش، اعلامیه‌ای از "جمهون همپستکی" که تاریخ آبان ماه ۱۳۶۸ را دارد به دفتر "نامه مردم" رسید. این اعلامیه به تدوین قانون کار در جمهوری اسلامی اختصاص دارد. ما

رقا! سازمان قدایانی که در سال های زندگی پر فراز و نشیبیش در صحنه مبارزه علیه ارتقای بالیده است، نزد همه میهن دوستان چهره یک سازمان مبارز، مدافع رحمتکشان، آزادی دوست و عدالتخواه را دارد.

رقتا
امسال در
شرايطي زادروز
سازمان جشن گرفته
مي شود که خواه در
سطح ملي و خواه در
سطح بين الملل از
جمله در سطح جنبش

نامه مردم

شماره ۲۹۷، دوره هشتم
سال ششم، ۱۳۶۸ بهمن

انتظار بحق مردم ایران از سازمان ملل متعدد

سرابجام پس از سالها اعتراض گسترده بین
المللی، نسبت به نقض خشن حقوق بشر در
ایران در روزهای اخیر، تمایندگان کمیسیون
حقوق بشر سازمان ملل متعدد راهی ایران شدند
تا از تزدیک وضع را در این باره مورد بررسی
قرار دهند. حتی پیش از آغاز سفر تمایندگان
سازمان ملل، انتظار می‌رفت که ارگان‌های
سرکوبیکر رژیم به تدارکات گسترده‌ای جهت
وارونه سازی واقعیت دست یافته‌ند. در عمل نیز
چنین شد و یکبار دیگر ثابت گردید که سران
جمهوری اسلامی بیش از آن به کام جنایت فرو
رقه اند که بتوانند به کسی اجازه دهند تا وضع
را آنکوئه که مست، مورد بررسی قرار دهد.
کنار مم قرار دادن زندانیان عادی و سیاسی،
جلوگیری از ملاقات زندانیان سیاسی یا
تمایندگان ویژه و گردآوردن گروهی از واپستان
به رژیم زیرعنوان "خانواره های شهادی ترورها"
تنها بخشی از تلاش‌های رژیم "ولایت فقیه" برای
لوث کردن واقعیات به شمار می‌رود.
قاعدتاً تمایندگان سازمان ملل نیز طی مدت
اقدام خود در ایران باید فرست این را یافته
باشند تا از تزدیک به عمق ریاکاری رژیم حاکم بر
ایران بی‌برند. حال همه انسان دوستان جهان و
پیش از همه مردم زجردیده ایران منتظرند تا
نتایج عملی این سفر را به چشم خویش مشاهده
کنند.

همین جا باید گفت که سفر نماینده‌گان
کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متعدد برای
هزاران میهن پرست و عدالت خواه ایرانی، که
ددمنشان به شهادت رسیدند، حکم تو شداری
پس از مرگ سهراب را داشت. خیل پرشمار
آزادیخواهانی که تنها به جرم عشق به میهن و
سعادت خلق های آن به شهادت رسیدند، هیچگاه
به زندگی بازنخواهند گشت و هیچکس قادر
نیست جای خالی آنان را در میان خانواده های
ادامه در ص ۲

شهیدان - پیام آوران...

در هر نبرد تاریخی دوشادش و پیشاپیش توده
ها مستند.

*

پنجاه سال پیش ازانی شهید شد، ولی سیر رویدادها در ایران در راستای خواست غبیانه او تغییر کرد و بر بزرگراهی که ره می پوید، رعروانی تازه روان شدند. دیری از مرگ ازانی نکذفت که رضاشاه از ایران گریخت، دیوار اختناق فرو ریخت، قفل ها در زندان ها گشوده شد و فرزندان مبارز و دریند خلق آزادی خود را بازیاتند، احمدی، پژشک تبهکار و قاتل ازانی، اعدام گردید و ... موج جنبش آزادی خواهی که ازانی بشارتگر آن بود، اوج گرفت. با پیشکامی یاران ازانی، حزب توده ایران، به عنوان وارث حزب کمونیست ایران و به گیرنده راه پراحتخار ازانی گام به کارزار مبارزه و تاریخ گذارد. با تکاهی به کارنامه خونین پیکار حزب توده ایران علیه ارجاع و امپریالیسم از جمله می توان گفت که زندگی سراسر قدماکاری و رزم خستگی تا پذیر ازانی در کالبد توده ایها ادامه یافت که هزاران قهرمان شهید، شاهدان صادق سیر این طریقت اند.

*

هر زمان که خورشید آزادی در محاق بود و درین پرده قیرقام دیکتاتوری از مردم ایران رزم و پایداری و قدماکاری می طلبید، توده ایها جانبازانه در "میانه میدان" بوده اند. آنها در هر جنبش و قیام و عصیان خلقی که شعله ور گردید، در صف نخست قامت افرادخند، راهی زندانه هستند شکنجه گاهها شدند و در گاه نیاز آکاهانه هستند خوبیش را به آتش کشیدند.

در نخستین سالهای پیانکناری حزب، در جریان سرکوب قیام افسران آزادیخواه در گبدقاپوس، در کشتار جمعی اعضاء و هواداران فرقه دمکرات آذربایجان، در سرکوب جنبش ۲ بهمن در کردستان، در کشتارهای ۳۰ تیرماه ۱۳۴۰ و ۳۱ تیرماه ۱۳۴۱، دهها هزار تن از اعضاء و هواداران حزب ما به قبیح ترین و غیر انسانی ترین اشکال به شهادت رسیدند. بعد از کودتای امپریالیستی - ارجاعی ۲۸ مرداد، باز توده ایها نخستین قربانیان صحنه های پایداری بر ضد کودتا و سیاهچالها و شکنجه گاهها و نیز راهیان سپیده دمان تیریاران بودند. در هی به خاک اقتادن مصطفی پریگ اینها و مهدی شریعت رضوی دست در دست پار مصدقی خود در روز ۱۶ آذر ۱۳۴۲، تیریاران انشو و یارانش، شهادت قهرمانانه کوچک شوشتري و وارطان سالاخانیان در زیرشکنجه و اعدام دهها تن از افسران سازمان نظامی حزب توده ایران از جمله سرهنگ سیامک، روزیه گرد حمامه

انتظار بحق...

از هم پاشیده شده و کودکان بی سربرستشان پرکند. اما اگر سازمان ملل متحد، امروز نیز آنکه که از این ارکان معتبر بین المللی انتظار می رود، پریایه استاد غیرقابل انکاری که در دست دارد، رژیم "ولایت قیمه" را قاطعانه محکوم کند، هم می تواند تا حد معینی از تکرار ترازدی هایی چون فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی جلوگیری کند وهم مرهمی بر زخم های

حال ما برآینم که از یک سو درس آموزی از مجموعه مجریات و رویدادهای سال های اخیر در سطح جهان و ایران واژ سوی دیگر، رهنمون گرفتن از ضرورت های حاد اجتماعی درمیهن، ما را به کمریست برای الجام و ظایف جدید فرا می خواند. در دستور روز قرار گرفتن آزادی و صلح اگر حلت نخست این وظایف است، بی شک تلاش در راه ایجاد وسیع ترین چیزهای زیرخواه و صلح بدهی آن است.

پیام کمیته مرکزی حزب...

بغیری و پیچیدگی اینهو رویدادها، روندها و پدیده های جهان امروز، با توجه به مجموعه عوامل تاثیرگذار بر ارزیابی و موضع کیری احزاب و سازمان های سیاسی و نیروهای اجتماعی از جمله کوناگونی مجریات و زوابای نکرش، بطور طبیعی راه را برای تنوع برداشت از واقعیات هموار می کند، ولی در عین

تقدیم به شهدا

مرخ عشق

سیمرغ سوی چشم خورشید پر کشید
بال و پرش نسوخت،
چون مرغ عشق بود.
او در وصال دلبر خود جاودانه شد.

اکنون:
آنان که روی به خورشید می کنند،
آنان که عاشقند،
می بینند،
در چهره طلائی این گوی آتشین
تصویر جاودانه این مرغ عشق را.

ع. هور

اگر پس از گذشت پنجاه سال از شهادت دکتر تقی ازانی، امروز پارهیکر بر مین ما بساط دیکتاتوری یکی از تبهکارترین رژیم های مذهبی قرون وسطایی گستردۀ است، ولی بیش از هر زمان می توان دید که راستای پویه تکامل تاریخ پسی ازادی سیر می کند. به گفته ازانی "سیر تاریخ قابل انسداد نیست" و بی شک دیری نخواهد گذشت که نسیم آزادی از فراز سرزمین ما نیز گذر خواهد کرد. پایداری خستگی نایابدیر و قهرمانانه مردم ایران که هزاران هزار شهیدشان جلوه ای از عزم و اراده آنان در ادامه مبارزه تا پیروزی را به تمایش می گذارد و همچنین تحولات دمکراتیک در جهان براین حکم مهر تأیید می زند و هیچ عاملی نمی تواند راه بر تحقق آن بینند.

*

توده ایها، خود را شاگردان صادق ازانی و مکتب او می دانند و درس نبرد قدماکارانه و ایستادن پرسر آرمان و ایمان تا پای جان را از ازانی می آموزند.
توده ایها در ادامه راه ازانی، از حقانیت اندیشه های انسانی دمکراتیک و سوسیالیستی دفاع می کنند و با امید به آینده نیکبخت بشر می نگردند.

هزاران خانواده ایرانی بکذار. هنوز پیش از آغاز سفر نایابنده سازمان ملل، احزاب، سازمان ها و گروههای اپوزیسیون، با ارسال نامه ها و تلکرام ها، اسناد می‌سوطی درباره جنایات رژیم در اختیار وی قرار دادند. مردم ایران نیز، علیرغم همه موانع، حتی به بیانی به خطر انداختن جان و امنیت خود، هر آنچه که لازم بود انجام دادند تا نایابنده سازمان ملل را با واقعیات آشنا کنند. اینک تویت سازمان ملل متعدد است.

رقای عزیزا

در استانه نوزدهمین سالکرد بینانگذاری سازمان، سیمیانه ترین آرزوهای خود را برای همکاری میان منه نیروهای دمکراتیک و آزادیخواه و به طریق اولی سازمان و حزب ایران می دارم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

حاکم شرع، مشخصات کامل؟

-
- اتهام؟
- متفاق.

"حاضر به مصاحبه و ارزیگار هستی؟ زندانی اگر جواب می داد، "بله". حاکم شرع می پرسد."

- آیا حاضر به همکاری اطلاعاتی هستی؟ اگر زندانی پاسخ می داد، "خیر"، حاکم شرع به زندانی می گفت،
برو وصیت نامه ات را بنویس!

نموده سوم:

حاکم شرع پس از پرسیدن مشخصات کامل زندانی، از خانگی می خواهد که در مرد زندانی مورد نظر شهادت بدهد. وی علیه این زندانی مجاهد (زن) صحبت می کند و مدعی است که این زندانی کسی است که قاتم اعتمادیات و درگیریها ی پیش آمده در داخل زندان را رهبری می کرد. خاتم مجاهد از خود دفاع می کند و اظهارات شاهد را انکار می نماید. شاهد نام فردی را از زندان می برد و مدعی می شود که ایشان گفته های مرا مورد تأیید قرار می دهنند. شاهد دوم از درون زندان اخبار می شود. (شاهد اول به اختصار قوی زندانی نبوده است).

نموده چهارم:

حاکم شرع، مشخصات کامل؟

-
- اتهام؟
- متفاق.

- حاضر به ارزیگار و مصاحبه هستی؟
- بله.
- جمهوری اسلامی را قبول داری؟
- انتقاداتی دارم.
- برو وصیت را بنویس!

نموده پنجم:

حاکم شرع، مشخصات کامل؟

-
- اتهام؟
- متفاق.

- حاضر به مصاحبه و ارزیگار هستی؟
- بله.

- جمهوری اسلامی را قبول داری؟ حاضر به همکاری اطلاعاتی هستی؟

- بله.

- چه نوع همکاری؟

- هرچه شما بگویید!

- یک لیستی از زندانیان را می خواهم، تو زندانیان سرمووضع را معرفی کن.

حاکم شرع فروع به خواندن اسمای زندانیان می کند و زندانی از پاسخگویی طفه می رود:

- این را نمی شناسم، با آن هیچ وقت صحبت نکرده ام، اصلًا کسی مرا به بازی نمی گرفت.

- اینطوری می خواهم با ما همکاری بکنی؟
برو وصیت را بنویس!

نموده ششم:

حاکم شرع، مشخصات کامل؟

-
- اتهام؟
- متفاق.

- حاضر به مصاحبه و ارزیگار هستی؟
- بله.

- جمهوری اسلامی را قبول داری؟

از حماسه دلاوران خلق

در سالگشت روز شهیدان حزب و جنبش، گزارش منتشرشده ای از یکی از قربانگاهیانی که در آن گوش ای از فاجعه ملی کشtar زندانیان سیاسی آفریده شد، یعنی زندان گوهردشت را به چاپ می رسانیم. این گزارش تکان دهنده و زنده، بار دیگر ما را به دیدار گروهی از فرزندان شهید خلق می برد که با رهادت و قهرمانی خود حمامه آفریدند. شهدای فاجعه ملی کلها یکی مستند از گلستان شهیدان خلق در همه اعصار. در دیدار با آنها می توان دگریار با عظمت روحی جانبازان راه انسانیت چهره به چهره شد. آزادگانی که از جان می گذرند ولی دست از آرمان برگی دارند.

جریان اعدام‌ها در مرداد ۶۷

از روز جمعه ۷ مرداد در تمامی بندوهای زندان گوهردشت به جز "بند جهاد"، تمام امکانات زندانیان شامل رادیدو، تلویزیون، روزنامه، بهداری، ملاقاتها، فروشگاه و ... قطع گردید. از روز دوشنبه ۸ مرداد ماه اعدام زندانیان مجاهد آغاز شد. لازم به تذکر است که در روزیش از این تاریخ در بعضی از بندوها مجاهدین را مورد سوال و جواب قرارداده و نظر آنها را در برابر جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین خلق ایران، پذیرش مصاحبه و ... جویا شده بودند. زندانیان مجاهد با توجه به وقایعی که در آن زمان در جریان بود (عملیات نظامی در غرب کشور) موضوع تندتری نسبت به سایق اتخاذ می کردند.

صبح روز ۸ مرداد تعدادی از زندانیان مجاهد را به سلول های انفرادی بند ۲۱ منتقل گردند. زندانیانی را که در این روز به سلول های انفرادی برده بودند، بین ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر گروه گروه با اتمویل به محل آمنی تئاتر منتقل گردند. در محل آمنی تئاتر (محل اعدام ها) زندانیان را در گروههای ۶ تئاتر بازداشت دار اعدام گردند. بعد از هر اعدام، جلدان از محل آمنی تئاتر برای ۱۰ تا ۱۵ دقیقه خارج شده و مجدداً به محل برگردانی گشتند و گروه دیگری را اعدام می کردند. مسئولین زندان، پاسداران داخل بندها و ۲ آخوند مسئولیت اعدام را در روز ۸ مرداد به عهده داشتند. گاه گفتگویی بین زندانیانی که برای اعدام برده می شدند با پاسداران انجام می گرفت، پاسدار به زندانی می گوید، چرا باور نمی کنید که می خواهیم چیکارتان کنیم؟

- حاج آقا امروز ملاقات دارم، ملاقاتان چه می شود؟

- ملاقات خبری نیست.

- زندانی خطا به پاسدار:
- حالا هر کارمان می خواهد بکنید، بکنید حادق بگذارد سیکار بکشیم.

atomobil می آید و زندانیان را به آمنی تئاتر می برد، پاسداری به پاسدار دیگر می گوید، اینها ۴ نفرند که ۲ نفرشان زن هستند.

پاسدارها می روند و گروه دیگری را می آورند. زندانیان در این هنکام نیز به زندانیان اجازه نمی دند چشم بندهایشان را بردارند و حق تاکید می کنند که اگر می خواهید به شما توهین نشود به چشم بندهایتان دست نزنید و سرتان را پائین بیندازید. شب حدود ساعت ۱۰ دو کامیون به محل اعدام ها می آیند و جنابه ها را باز می زندن و می روند.

از روز یکشنبه ۹ مرداد ماه زندانیان را در گروههای بزرگتر و این بار از راهرو اصلی به محل اعدام می برند. این رفت و آمدها توانم با فریاد و ایجاد رعب و وحشت است. از این رو، کامیون های

نموده اول:

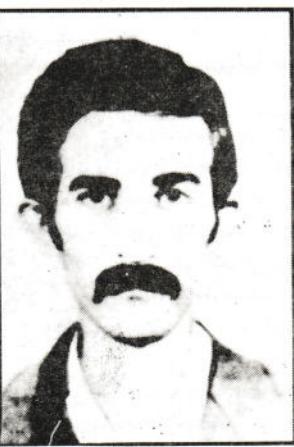
حاکم شرع، مشخصات کامل؟

-
- اتهام؟

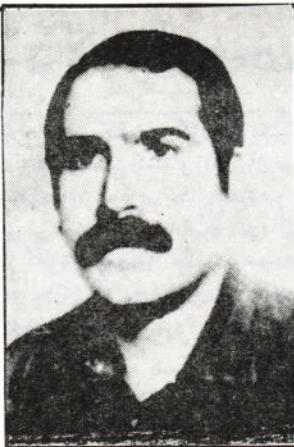
- هادار سازمان مجاهدین خلق ایران.

- برو وصیت نامه ات را بنویس.

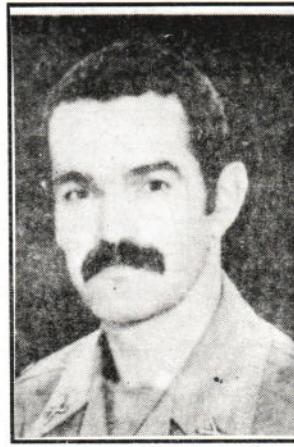
نموده دوم:



رفیق کسری در پاسخ به پرسش حاکم شرع که "مذہب چیست؟" گفت، مارکسیست نمی‌بینیست!



رفیق شهبازی،
به هیچ وجه نباید عقب
نشینی کرد



رفیق بینائی،
من هیچ راهی جز دفاع از
حزب و مارکسیسم - لینینیسم
نمی‌بینم!



رفیق قریشی، زمانیکه طناب
دار به گردم بیندازند، آنچنان
فریاد خواهم زد زنده باد حزب
توده ایران که تمام ستونهای
حسینیه به لرزه درآید!

زیادی زندانی را از بندهای مختلف بیرون می‌کشیدند و به دادگاه می‌بردند و پس از دادگاه ممه را به سلول های انفرادی منتقل می‌کردند. کسانی که حکم اعدام گرفته بودند اعدام می‌شدند و بقیه تا اواخر شهریور در سلول های انفرادی باقی ماندند و سپس به دویند منتقل شدند. در زندان گوهردشت از مجموع مجاهدین ۲۵۰ نفر از اعدام جان سالم بدر برداشت. بطور غونه از بند ۲ مجاهدین که تعداد ۲۰۰ نفر از بچه های سرمووضع مجاهد زندانی بودند، ۱۹۵ نفر اعدام شدند.

بازتاب اعدام مجاهدین در بین زندانیان چپ

پس از پخش خبر اعدام زندانیان سرمووضع مجاهدین خلق، میاخاتی بین زندانیان چپ و بخصوص توده ای ها آغاز شد. تعداد پرشماری از زندانیان توده ای گفته شد راهی جز ایستادن برسرمووضع و آرمان نخواهد بیمود. در جریان این میاختات جملاتی بیان شد و رویه ای نشان داده شد که حاکم از عشق پاک و ایمان ژرف این رقما به حزب و جنبش بود. در نز و اکتش برضی رفاقت شید را مرور می کنیم.

رفیق داده قریشی:

"زمانی که طناب دار را به گردن من بیندازند، آنچنان فریاد خواهم زد، زنده باد حزب توده ایران... که تمام ستون های حسینیه (منظور همان آمفی تئاتر است) به لرزه درآید!"

رفیق خلیل بینائی ماسوله، "من هیچ راهی جز دفاع از حزب و مارکسیسم - لینینیسم نمی‌بینم!" رفیق محمد علی شهبازی، به

دادستان جواب می‌دهد:
- خیر در صدر اسلام اعدام با طناب دار بوده است.

مقام دولتی می‌گوید:
- اینها (اعدام شدگان) سیاه می شوند، دونفر زن را دیدم که سیاه شده بودند، اشکال شرعاً دارد.

دادستان مخالفت می‌کند و سپس درباره اینکه زندانیان اغلب به دروغ می‌گویند که از موضوع گذشته خود دست برداشته اند، صحبت می کند و ادامه می‌دهد:

- بسیاری از آنها تا زمانی که

طناب دار را دورگردشان می‌اندازم، باور نمی‌کنند که اعدام می‌شوند. می‌گویند یک نفر وقی فهمید می‌خواهد اعدامش کنند، طناب را از گردنه پاره کرد و خودش را به زمین انداخت و فریاد زد "زنده باد رجوی". بعد برادران خدمتش رسیدند (منتظر فکجه اش کردند) و کارش را تمام کردند.

بطور کلی دادگاههای فرمایشی برای مجاهدین همانطور که در بالا ثوره هایش ذکر شد اینطور بود که اگر متهم، مورد اتهام را، "غضوبت" یا "هوداری از سازمان مجاهدین" اعلام می کرد، حکم اعدام می گرفت و اگر پاسخ می داد: "متافق" از او می پرسیدند که حاضر هست علیه سازمان مجاهدین خلق افزجار نامه بنویسد و مصاحبه کند. زندانی در صورت جواب متفق، اعدام می شد. ولی اگر اعلام آمادگی می کرد، از او می خواستند که برای شناسایی زندانیان سرمووضع مکاری اطلاعاتی بکند، در صورتی که جواب متفق می دادند حکم اعدام می گرفتند و... شیوه عملکرد مستولین زندان در روزهای دادگاه به این شکل بود که تعداد

آیات و روایات قرآن شاهد مثال می آورند. رقته رقته بحث به مشاجره

جدی تبدیل می شود و دو طرف شروع به توھین به یکدیگر می کنند.

مقام دولتی به دادستان می گوید:
- من نمی خواهم بکرم تو یک

آدم احمق و نفهم هستی، ما نمی توانیم مملکت را دست یک مشت آدم شماری مثل هادی غفاری بدھیم!

دادستان مقابلاً پاسخ می دهد:

- ادامه ادامه خواهد یافت.

چون این حکم امام است.
- قرار است تاییدگان مجلس

یک نامه خلیل محرمانه برای امام بنویسند.

بالاخره حاکم شرع به حمایت از دادستان وارد معركه می شود و

حکم خمینی را بدین مضمون قرأت می کند: "کلیه مناقیب اعدام شوند. می

دانه از این اعدام شدن و حکم شرع در داخل زندان باید اعدام شوند و حکم

لازم الاجراست"

مقام دولتی سوال می کند:
چکونه شما تشخیص می دهید

چه کسی سر موضع است?
دادستان جواب می دهد:

- عده ای را می شناسیم و در مورد بقیه از خودشان سوال می کنیم.

(حاکم شرع در این مورد نیز از دادستان حمایت می کند).

مقام دولتی می گوید:
- حکم قانونی است و تا آخر

امسال بیشتر قابل اجراییست.
دادستان جواب می دهد:

- این حکم تا ابد قابل اجرا است و اجرامی کنیم.

مقام دولتی می گوید:
- لااقل کسانی را که اعدام می

کنید، تیواران کنید، حلق آورز نکنند.

- بله.
- بین آقای ... شوخی ندارم، پشت همین در، طناب دار گذاشت ام و اعدام می کنم. فاعیلت را در جریان عملیات مرصاد دستکبر کرده ام و زخمی است. حاضر هستی طناب دار را به گردنه پیندازی؟

- حاج آقا از نظر اخلاقی معنوزم، نمی توام.

- ولی اگر پیروز شده بودند، حاضر بودی طناب دار را به گردن من بیندازی. برو وصیت را بنویس.

غمدهفتم:
زندانی از درب دادگاه وارد می شود.

حاکم شرع:
- برو، برو وصیت را بنویس.
زنده بیکاری با سکوت از در خارج می شود. در این هنگام "دادگاه" تعطیل و شخصی وارد می شود که ظاهرا از مقامات دولتی است. بین این شخص و دادستان و حاکم شرع می باخاتی به مضمون زیرصورت می کردد:

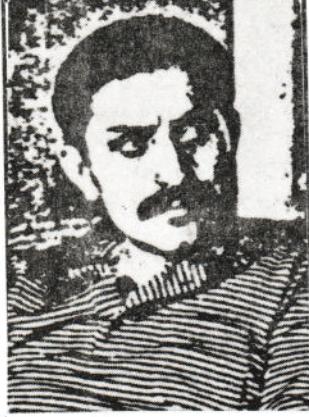
- آقا به اندازه کافی اعدام کرده اید. اعدام کافی است، خانواده های اینها فردای سازمان ملل شکایت می کنند و درسطح جهان علیه ما تبلیغ می کنند...

دادستان جواب می دهد:
- تا آنجا که لازم باشد اعدام می کنیم و به هیچ وجه کوتاه نخواهیم کرد. هر آندازه که باشد اعدام خواهیم کرد. مقام دولتی مجددا در مورد انکسار جهانی این کار صحبت می کند و خواستار طبع اعدام ها می شود. ولی دادستان مجددا با خشونت تمام تاکید می کند که اعدامها تا آخرین نفر ممکن ادامه پیدا خواهد کرد. جزویت بالا می گیرد.

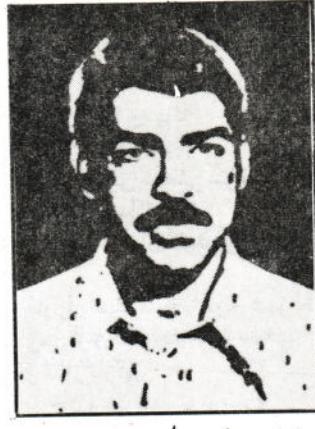
تابناک باد خاطره شهیدان حزب و جنبش!



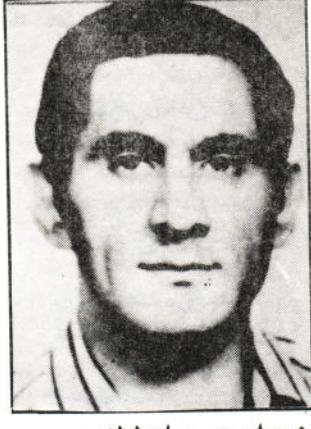
رفیق علی بهکیش



رفیق منوچهر سرحدی



رفیق جعفر ریاحی



رفیق انوشیروان لطفی

باخون کیوان شکوهی ها و ریاحی ها و باخون هزاران شهید حزب دمکرات کردستان و سازمان مجاهدین خلق و دیگر نیروهای مخالف رژیم "ولایت فقیه" در آمیخته و جوشان است.

داودی، محمد رحیمی، گل علی آتیک، احمد ادریسیان، اسحق حاج ملکی، محسن حسین نژاد، حادل روزه دار، محمد جواد لاھیجانیان، اکبر محمودیان، مجید منیری، نادرمههربان، اسماعیل وطن خواه، جواد محمدزاده، مهدی مومنی و از رفقاء اکثریت اکبر صادقی بناب اعدام شدند.

روز دوشنبه و سه شنبه ۷ و ۸ شهریور دادگاه دایر نشد. روز چهارشنبه ۹ شهریور ماه بند ۱۲ و ۱۴ (بند ملی کش ها) را به دادگاه برند. در این روز رقا، کسری اکبری کردستانی، علیرضا کیانی، بیژن مرادی، اصغر قبائلو، حسن جلالی، ستاریابانزاد، محسن الماس پور، دکتر جاویدفر، احمد حیدری زاده مطلق، حسن خارکن، حسین خان بایان، علی نعمی، حسین خزانی، مهرداد دستگیر و از اکثریت رقتا، غلامرضا ادبی، حشمت الله آرین، اسدالله ابراهیمی و اصغر مصطفی اعدام شدند.

روز پنج شنبه ۱۰ شهریور ماه نوبت به بند ۶ (محکومین ۱۰ سال به بالا) و بخش اکثریت که بلا تکلیف مالده بودند، رسید. در این روز "دادگاه" توانست محاکمات خود را به پایان برساند. به عده ای نظری اصغر محبوب فرست دادند تا روز شنبه ۱۲ شهریور در مورد مذهب نکرند.

شنبه ۱۲ شهریور یک گروه ۲۰ نفری حدود ساعت ۵ بعد از ظهر برای اعدام برده شدند که اصغر محبوب و ساسان قندی جزو این گروه بودند. در این روز رقا مهدی حسینی پاک و ناخذایدگلی جزو اعدام شده ها بودند.

روز شنبه ۵ شهریور ماه، اعدام اعضای گروههای چپ آغاز شد. در این روزها از بندنهای مختلف زندانیان را دستگیر کردند. ابتدا از بند ۲۰ حدود ۴۱ نفر را بیرون آورده و در راهرو اصلی نشاندند. از حدود ساعت ۱۰/۳ صبح دادگاهها شروع شد. ابتدا عباس، یکی از دادهایان زندان از زندانیان سقوط کرد، مقاید گذشتند. در این میان نقش رفیق شهید کسری اکبری کردستانی بسیار بارز بود. او می گفت: "آگاهانه تصمیم بکرید تا های چویه دار کسی به گریه نیفت و مردانه بیم!"

در بند ۶ که بند محکومین بالای ده سال بود مهدی تصمیم گرفتند که دفاع نکنند و بگویند مسلمانند، بجز رفیق مهدی حسینی پاک و ناخدا بیکلی. رفیق حسن صراف پور: ای کاش ملاقاتی با خانواده داشتم بعد اعدام می شدم.

رفیق حیدریکو، به راه خود ادامه می دهیم صرف نظر از هر پیش آمدی. رفیق ابراهیم حسن پور: شیرازی؛ اعتقاد به عقب نشینی ندارم. رفیق حسن محمدزاده، استوار و متین برسار آمان خود ایستاده بود. بی هراسی از اعدام. حتی متن وصیت نامه خود را نیز تنظیم کرده بود. رفیق هوشنگ قربان نژاد، آرام و خونسرد بود و آشکارا نشان می داد که به اعدام نمی اندیشد. رفیق صابر شنید که "مسلمان"، گفت: "چه مسلمانی؟ مکر می شود توده ای مسلمان باشد". رفیق حسینی پاک کفت: "اسلام من، اسلام دفاع از محرومین و زحمتکشان است، نه مانند اسلام شما که مدافعانه داران است. در جریان مشاجره لنقطی، حاکم شرع رفیق حسینی پاک را از دادگاه بیرون کرد و حکم اعدام برایش صادر کرد. طی رضم تمام موارد دیگر اعدام شدند. غیراً توده ای ها و اکثریتی هایی که در این روزها اعدام شدند می توان از منصور بخفی شوشتی از سازمان "وحدت کمونیستی" و "کاکو" نام برد. جریان اعدامها در

اطلاع زندانیان، ابهاد فاجعه بقدرتی عظیم بود که حتی کسانی که خود مستقیماً در جریان بودند، نمی توانستند آنرا باور نکنند.

جریان اعدامها در
شهریور ۶۷ در زندان
گوهردشت.

هیج وجه نباید عقب نشینی کرد، هر نوع عقب نشینی موجب هارتشردن دشمن می شود. رفیق حسین صفوی نیا: ما یک بار تصمیم گرفتیم و دیگر نکر کردن ندارد! (هنگامی که این رفیق ورزش می کرد به شوخی می گفت، این روزها باید ورزش کردن بکنیم). رفیق قدرت الله قیمی: راهی جز دفاع از حزب وجود ندارد! رفیق غلامعلی واحد نباید عقب نشینی کرد. رفیق حسن صراف پور: ای کاش ملاقاتی با خانواده داشتم بعد اعدام می شدم. رفیق حیدریکو، به راه خود ادامه می دهیم صرف نظر از هر پیش آمدی. رفیق ابراهیم حسن پور: شیرازی؛ اعتقاد به عقب نشینی ندارم. رفیق حسن محمدزاده، استوار و متین برسار آمان خود ایستاده بود. بی هراسی از اعدام. حتی متن وصیت نامه خود را نیز تنظیم کرده بود. رفیق هوشنگ قربان نژاد، آرام و خونسرد بود و آشکارا نشان می داد که به اعدام نمی اندیشد. رفیق صابر شنید که "مسلمان"، گفت: "چه مسلمانی؟ مکر می شود توده ای مسلمان باشد". رفیق حسینی پاک کفت: "اسلام من، اسلام دفاع از محرومین و زحمتکشان است، نه مانند اسلام شما که مدافعانه داران است. در جریان مشاجره لنقطی، حاکم شرع رفیق حسینی پاک را از دادگاه بیرون کرد و حکم اعدام برایش صادر کرد. طی رضم تمام موارد دیگر اعدام شدند. غیراً توده ای ها و اکثریتی هایی که در این روزها اعدام شدند می توان از منصور بخفی شوشتی از سازمان "وحدت کمونیستی" و "کاکو" نام برد. جریان اعدامها در اطلاع زندانیان، ابهاد فاجعه بقدرتی عظیم بود که حتی کسانی که خود مستقیماً در جریان بودند، نمی توانستند آنرا باور نکنند.

پس از انتقال بقیه زندانیان بند ۲۰ که زنده مانده بودند به بند ۸ (سه شنبه ۸ شهریور) بقیه بندها (۶ و ۱۲ و ۱۴ و ۵ و ۰) در جریان اعدام قرار گرفتند. ابتدا باور نمی کردند، ولی بعداً آگاهانه تصمیم بکریند. ولوله ای دریندها افتاد، اکثر زندانیان توده ای و اکثریتی (بخصوص بند ملی کش

با یاد و نام شهیدان توده‌ای

هزاران رشته مروارید

چه شیرانی که غریدند
درینما عشق
در مسلح
درینما عشق
در کنج شقاوت‌های حیوانی*

هزاران رشته مروارید
شکاف تیره شب را فروزان کرد
و با الماس هر واژه
ترک پرداشت
سق شیشه تزییر اهرین

و درتاب هزاران سرخی آوا
تذرو از شاخصار صد هزاران سرو
سرود و جنبش پرواز را
آواز خواهد داد
و قتوس از تف خاکستر آتش
هزاران اخکر خورشید می‌زاید
وبی بروا
کمی آنسوتراز امروز یا فردا
کبوتر با نسیم آشی
پرواز خواهد کرد
وهدهد
با زیان دانش مردم
برای عاشقان همدلی
از شهر یاران
داستان آغاز خواهد کرد.

فرهاد

نمی داشم کدامین بود
شب یا روز
که تو در من شکفتی سرخ
و ما در پامدادان
با هزاران ارغوان آغوش واکردم

هزاران سینه‌ها را با هوای شهر آغشتند
زمین از ژرفانی چشم‌ها جوشید
و ما از تازگی
با جان و دل پیوسته نوشیدم

به هرکوه و به هردشتی
به هرdest و به هرجانی
درود و آفرینی آتشین دادم
به مردان و پیام مردمی اوام
به هرشام و پکاهی روشنی آرا
امیدی پرتوان بستم
میان بازوan کاریالیدم
فرابون ترشیدم از شور رویدن
خروشان ترشیدم از شوق پوئیدن
غیریق شعله‌های آقتابی نزول توفانی
زمین دیدار ما را
تا ابد در یاد خواهد داشت*

هوای تنگ و دیوار و گل خون شتک بسته
ومردان و زنانی در گذار از رنج
غزل را با حمامه آشی دادند

چه گردانی که فرسودند

کرد بحث سیاسی را به جایی بکشاند
که زندانی را به اعدام نزدیک کند. در
جواب اکثر زندانیان می‌گفتند:
- می‌توان مسلمان بود و توده
ای هم بود، طبق اساسنامه حزب چنین
موردی اشکالی ندارد.*

در بعضی موارد حاکم شرع به
حقه و نیزهک متول می‌شد و از
زندانیان سوال می‌کرد، می‌خواهیم
دو بند "کافرها" و "مسلمانها" تشکیل
پدیم. برای بند "کافرها" امکانات
صرف‌خواهد بود و از نظر ما غیبی
محسوب می‌شوند، حالاً شما به کدام
بند می‌خواهید بروید؟ اگر جواب می‌
دادند بند کافران، زندانی اعدام می‌
شد.
رقا سروان معقول (توده ای) و
محمد صادق ریاحی با این جواب
اعدام شدند.

استثناء‌های نیز وجود داشت که روز
۵ فهیور این فرم را امضا نکردند،
ولی اعدام نشدند. بعد از امضاء فرم،
به ازای هر ثوابت مجاز (صیح ۱۰ ضربه،
ظاهر و ضعیف ۲۰ ضربه و مغرب و عشا
۲۰ ضربه) به کف پائی زندانی آتقدر
شلاق می‌زدند تا زندانی را وادر کنند
نمای بخواند، بعد از قبول نمای،
ناصریان، دادهایار زندان، در اتاق
های درسته می‌گفت: دیگر توده ای
مسلمان ندارم.

کسانی که از عقاید سیاسی
خود دفاع می‌کردند و یا حاضر به
مصالحه نمی‌شدند، آتقدر شلاق می‌
زدند تا قبول کنند. ۱۷ نفر بخطاب
قبول نکردن مصاحب شلاق خوردند.
از روز شنبه ۸ شهریور ماه
زندانیان باقی مانده بند ۳، انفرادی‌ها
و بندهای فرعی را به بند ۸ منتقل
کردند، محیط اربعاء و وحشت ایجاد
کرده بودند، هر روز عده‌ای را مجدداً
به دادگاه می‌خواستند و مورد سوال
و جواب قرار می‌دادند و یا به
انفرادی می‌فرستادند.

واکنش و روحیه رقا

رقا حسن محمد زاده،
ملوغان ربیعی، خلیل بیانی ماسوله،
علی نعیمی، محسن دلیجانی، حسن
قرانی، بیژن مرادی، غلامرضا ادبی
(اکبریتی) و حشمت الله آرین
(اکبریتی)، در پاسخ به سوال مذهب،
همکی گفتند: - مارکسیست - لینینیست
هستم*

رفیق کسری اکبری کردستانی
در پاسخ به پرسش حاکم شرع که
"مذهب چیست؟" جواب داد:
- مارکسیست - لینینیست
حاکم شرع گفت:
- دنیا را که از دست دادی،
آخرت چه می‌شود؟
جواب داد:
- آنهم ارزانی شما بادا!

رفیق اصغر قاباخلو در دادگاه به
رئیس حمله کرد و رئیس را "فاسیست" و
"دیکتاتور" خواند. پاسداران قبل از
اعدام، او را داخل دستشون برد و با
کابل پیشش را سیاه و کبوه کردند و
با تنه مجرح و خون الود کشان
کشان به یاد چویه دار بردند.*

رفیق اصغر محبوب در دادگاه و
در پاسخ به پرسش حاکم شرع که
مذهب چیست؟ خوش بردادشت:
- "لولو درست کرده اید،
دستکاه تقییش مقاید و انکیزاسیون

جريدة دادگاهها
برای دیگر نیروهای چپ

محاكمات بسیار کوتاه و
خلاصه بود. زندانی وارد دادگاه می‌
شد، چشم پند را بپرمی داشت و روی
مندلی مقابل حاکم شرع که در
اطراف او حوده ۱۱ نفر دیگر نشسته
بودند قرار می‌گرفت (این کروه شامل
دادستان، حاکم شرع، گاینده وزارت
اطلاعات، بازجوها، ناصریان، دادهایار
زندان گوهردشت و چند نفر دیگر که
طیله زندانی صحبت می‌کردند، پرسیده
بودند). ابتدا مشخصات کامل زندانی
پرسیده می‌شد. بعد مذهب زندانی
سوال می‌شد. سوالات توسعه نیزی
حاکم شرع مطرح می‌شد. اگر
زندانی پاسخ می‌داد غیرمذهبی هستم،

یا مارکسیست - لینینیست، یا جواب
نمی‌داد و یا می‌گفت مذهب زندانی
شخصی است و یا اینکه این سوال
تقییش عقاید است، حاکم شرع مذهب
پدر و مادر زندانی را سوال می‌کرد.
اگر زندانی پاسخ می‌داد مسلمان
هستند، حکم اعدام برای زندانی صادر
می‌شد. در صورتی که زندانی پاسخ
می‌داد این سوال مخالف قانون
اساسی است، آن وقت سوال می‌شد،
شما قانون اساسی را قبول دارید؟ در

صورت جواب مثبت، زندانی اعدام می‌
شد. مرجویانی غیرازایین حکم اعدام
داشت. در صورتی که زندانی جواب
می‌داد در خانواده غیرمذهبی متولد
شده و یا اینکه پدرم توده ای بود و یا
دینی غیرازاسلام داشته است، جواب
دهنده "مرتد ملی" شناخته می‌شد و
اعدام می‌گردید. کسانی که در پاسخ
به پرسش مذهب می‌گفتند مسلمان
ستیم، اشرافی (دادستان) سوال می‌
کرد، خدا را قبول داری؟ پیغمبر را
قبلو داری؟ قرآن را قبلو داری؟ معاد
را قبلو داری؟ جواب منفی به هریک از
سؤالات ذکر شده، حکم اعدام داشت.
در صورت جواب مثبت، مجدد سوال
می‌شد: نمای می‌خوانی؟ در صورت
جواب منفی حاکم شرع حکم شلاق
می‌داد (برای هر ثوابت از نمای گانه،
۱- نمایه شلاق، مجموعاً روی ۵۰
ضربه شلاق). زندانی می‌پایست بعد
از خروج از دادگاه فرمی را که شامل
۵ اصل:

۱- مارکسیست - لینینیست
نیستم:
۲- خدا را قبلو دارم؛
۳- معاد را قبلو دارم؛
۴- پیغمبر را قبلو دارم؛
۵- قرآن را قبلو دارم،
را امسا کند. در صورت امتناع
از امسا فرم، اعدام می‌شد (البته

راه ارانی، راه ماست، زندگی و رزم ارانی سرمشق ماست !

مرحله ...

مالکیت تعاوینی باشد. تعاوینی ها باید نه در خدمت گروه کوچکی از افراد، بلکه در خدمت همه مردم باشند.

حزب سوسیالیست کارگری مجارستان در راه ثبات جامعه، غلبه بر زاده برستی، تعییض دینی، بازی با افکار عمومی و در راه قانونیت و نظم و مبارزه خواهد کرد.

در عرصه سیاست ارضی حزب مخالف احیاء مالکیت خصوصی برزمن است و می خواهد تا تعاوینی های موجود باقی بمانند به این شرط که اثربخشی تولید بالا رود. حزب خواهان تعیین قیمت های عادلانه برای مواد غذائی و افزایش درآمد تولید کنندگان در صنعت است.

حزب سوسیالیست کارگری مجارستان اهداف خود را اشکارا بیان می کند و با استفاده از شیوه های دمکراتیک در شرایط پلورالیسم سیاسی برای حق تقد آنها مبارزه خواهد کرد.

حزب پیرامون اصول سیاست خارجی از جمله روی تأمین امنیت بین المللی و حفظ توازن نظامی تکیه می کند.

یک جنایت هولناک و باور نکردنی

محل رویداد: روستای کیاکلاه، در حومه لنگرود

به خانواده یک زندانی سیاسی که در زندان رشت است اجازه ملاقات می دهد. اما پس از

ملاقات، برادر و همسر زندانی را همانجا نگاه می دارند و می گویند قعلا همان ما مستند

پس از چند روز پدر زندانی جویای حال فرزندانش می شود. به او می گویند که فرزندات (برادر زندانی) خودش را در زندان رشت با

چوراب خفه کرده است و می توانی جسدش را از بیمارستان تحویل بگیری. پدر زندانی هراسانک

به بیمارستان مراجعه می کند. مستولان بیمارستان می گویند که جسد از سه روز پیش در سردهخانه است. از گوشاهی جسد خون

بیرون زده و در کف پاهایش تاول دیده می شد.

جسد را برای دفن به روستای کیاکلاه می آورند، اما پا سداران اجازه دفن در گورستان عمومی و اجسام مراسم به خاک سپاری را نمی دهند. خانواده شهید مجبور می شود، او را در قلعه زندانیان سیاسی (به اصطلاح "لخت آباد") لنگرود به خاک بسپارند.

برای روستاییان کیاکلاه که این خانواده و بیویه آن جوان را بخوبی می شناخته اند، این واقعه بسیار دردناک و باورنکردنی بود و همه را در غمی جانگذار فروبرد.

"نوید آزادی" به سبک امپریالیسم آمریکا



گاه یک عکس گویاگر از هزاران کلمه است. عکسی را که می بینید، از اینکهونه است: یک سریاز تنومند آمریکائی، پس از "اعطای آزادی" به مردم پاناما، "فاتحانه" بر صندلی تکیه داده است، تا پیرمردی فرتوت از اهالی آن کشور، چکمه هایش را برق بیاندازد. جرج بوش، رئیس جمهوری ایالات متعدد، منکامی که دستور حمله به کشور کوچک پاناما را صادر می کرد، گفت که سریازنش به آن دیار می روند تا به مردم "نوید آزادی" دهند. آنان نیز ممانعکونه کردند. محلات مسکونی را درهم کوپیدند، هواپیماهای تازه ساز را آزمایش کردند، هزاران نفر را به قتل رساندند و سراغام رهبر یک کشور مستقل را برای محکمه راهی آمریکا ساختند.

اینک زمان فراحت فرارسیده است. پیرمرد پاید گردوغباری را که از فروریختن خانه ها پرسمردم پاناما، برچکمه ها نشته پاک کند. کار او در خور سرزنش نیست. لقمه نانی پاید تا شکم خود و خانواده اش را سیر کند. آن هم زمانی که رئیس جمهور تازه کشورش، نه فقط گردوغبار بلکه لکه های خون را نیز عرق ریزان از چکمه های آمریکائی پاک می

کند. ... و حال چکمه های براق آمده اند تا هرگاه که ضرور اقتد، بر خاکی دیگر و سرزمینی دیگر نقش بکذارند. آخر برازنده جنتلمن های آمریکائی نیست که با کفش های واکس نزد، برای "اعطای آزادی" بروند!

شود. ما بیویه تاکید می کنیم قانون کاری که حق تشکیل آزادانه تشکل های صنفی مستقل کارگری را به رسمیت شناخته باشد، اساساً ناقص و خد کارگری است. تشکل های مستقل کارگری نه تنها ابزار مبارزه واقعی کارگران و زحمتکشان برای کسب حقوق مشروعشان است، بلکه تنها شامن دفاع از حقوق کارگران و تنها ویشه مطمئن در اجرای صحیح مواد قانون کار است."

رژیم را مجبور به عقب نشینی می کند و هر آنکه می زمینه مناسب تری برای اجرای مقاصد خد کارگری رژیم فراموش می سازد.

بايد با مبارزه بیکیر و متعد، تصویب قانون کار عادلانه را به رژیم تحمیل کرد. بايد قانون کار با مشارکت تمایندانگان واقعی کارگران و زحمتکشان تدوین شود. بايد در قانون کار، حقوق شناخته شده کارگران در استاد بین المللی واژ جمله حق تشکیل آزادانه تشکل های مستقل کارگری نظری سندیکاها و اتحادیه ها و حتی حق اعتراض به رسمیت شناخته

تصویب می رسانند که حتماً به نفع سرمایه داران باشد، به دلیل اینکه بیشتر از آنکهای مرتضی شورای نکهبان با واقعیات ملموس جامعه سروکار دارند، مجبور می شوند تا زیر فشار کارگران، بخش اندکی از حقوق کارگران را نیز در قانون مصوب خود بگنجانند. ولی شورای نکهبان که برای کارگران و زحمتکشان حقوقی بیش از غلامان هزارسال پیش قایل نیست، حتی تحمل رعایت عادلان حقوق اندک را هم ندارد.

"اینک چندین سال است که این قانون - پیش نویس سرحدی زاده - مورد کشاکش جناب های حکومتی قرار دارد و هر بار که مورد بحث مخالف حکومتی قرار می گیرد، مقداری از آن به نفع سرمایه داران تغییر می کند. اوین بار که از تصویب مجلس گذشت، شورای نکهبان، حد ماده و تبصره آن را غیرشرعی و مخالف قانون اساسی داشت و مجلس برگردانه شد. پس از مدتی سکوت اعلام کردند که بزودی قانون کار در شورای مصلحت نظام مورد تصویب قرار خواهد گرفت. باز مدتی گذشت و در حالی که انتظار می رفت قانون مصوب شورای مصلحت به دولت ابلاغ شود، اعلام گردید که قانون کار مجدداً به مجلس فرستاده شده است. سپس گفتند که قانون کار با حضور شورای نکهبان در مجلس مورد بررسی و تصویب قرار می گیرد، که ظاهرا تصویب هم شد. ولی چند هفته بعد روزنامه های نوشتند که بیش از ۷۰ ماده و تبصره آن توسط شورای نکهبان غیرشرعی، مخالف قانون اساسی و دارای پارالمی تشخیص داده شده است".

اجمن همبستگی در پایان تیجه می گیرد که: "این رژیم نمی تواند قانونی را که به نفع زحمتکشان باشد تحمل نکند. وعده ها و سروصدایها پیرامون حقوق مستحقان و محرومین حریه ای بیش نیست. نایاب از رزتی که کارنامه سیاه آن، روی سیاه رژیم های قرون وسطی را سفید کرده است انتظار مجده داشت.

این قول و قرارها و اتفاق وقت ها، همه به دلیل هراس آنان از مبارزات ما و انحراف مبارزاتمان است. بايد هشیارانه عمل کرد. اتحاد و یکپارچگی ما

از نامه‌دانشجویان ایرانی هوادار حزب توده ایران دریوگ‌سلاوی به رئیس جمهور این کشور

پاسخی که جای تردید پاکی نمی‌گذارد

همانطور که می‌دانید، استبداد در هرجایی به صورتی خاص پدیدار می‌گردد. اکنون در میهن ما ایران استبداد به وحشیانه ترین صورت خود مردم را به بند کشیده و در این سرزمین انسان‌ها از ابتدائی ترین حقوق خود بی‌بهار اند. سرکوب کسانی که خواهان آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی هستند و کشتار جمعی بهترین فرزندان خلق در سیاه‌چالهای رژیم واپسکرا امری عادی است.

در کشتار جمعی سال گذشته، بسیاری از بهترین فرزندان داشتمند میهن خود را از دست دادم. اکنون بار دیگر جان بسیاری از زنان مبارز در خطر است.

ما اینک شما را به کمک برای حفظ جان زندانیان سیاسی زن می‌طلبیم. مکناری خطر مرگ جان زندانیان را که تنها کناهشان دفاع از آزادی و دمکراسی است بیش از این تهدید کندا

باید خاطرنشان سازم که در چیزیان برگزاری کنکره انشباب به عمل آمد. گروهی با نام پاکگاه شاهدگان مجلس حزب متعدد کارگری لهستان به سرپرستی ت. فیشاچن جلسه را ترک گفتند و حاضر به اضطرار پیانیه حزب جدید نشدند. آنها گروه مبتکرین را به منظور ایجاد حزب دیگری سازمان دادند. به نظر فیشاچن حزب جدید مورد نظر گروه وی قبل از هرچیز باید خلقی، میهنی و بازتاب دهنده آرمان زحمتکشان لهستان باشد و از استقلال لهستان دفاع کند.

حزب جدید هم در واقع جز این نمی‌گوید. ت. باریوش ناینده کنکره ضمن توضیح پیرامون حزب سوسیال دمکرات جمهوری لهستان گفت: "زمتکشان می‌غواهند تا حزب جدید در وله نخست منافع آنها را منعکس سازد. برای این هم نیاز می‌رم به برآنامه حقیق مشخص برای پرون رفت از بحران همین امروز دارد و نه برآنامه مهم برای آینده. به توشه مفسرین، انشباب در حزب بیشتر چنین خودمختاری برخی از شخصیت‌ها را به تایش گذارد که خواهان ایفاء نقش درجه اول در حزب جدید هستند.

بطوری که روزنامه "ترود" چاپ (صوفیه - نهم ژانویه ۱۹۹۰) در مقاله‌ای نیزه‌خوان "نکنجه های خبرنگاری زنان زندانی در ایران" می‌نویسد، روز هجدهم دسامبر سال ۱۹۸۹ (۲۷ آذرماه ۱۳۶۸) گروهی از شهروندان بلغاری به سفارت ایران در صوفیه مراجعت می‌کنند تا پاک نامه اعتراضی را به سفير پدیدهند. در این نامه آمده بود: "اقای سفیر ما امضا کنندگان زن برای اینکه از این موقعاً تعطیل شوند. در آن جلسه ارگان‌های ایران را فرامی‌خواهیم ۱۱۷ زن محکوم به مرگ را بیدرنگ آزاد کنند بنام پسر دوستی اعدام ها را متوقف سازیم". این نامه اعتراضی را نزدیک به ۲۰۰ تن از روشنکران، نویسنده‌گان، روزنامه‌نگاران، مترجمان و داشتمندان بلغاری امضا کرده بوده اند.

روزنامه افزاید: "کنسول ایران این گروه را پذیرفت ولی از گرفتن نامه اعتراضی با این استدلال قالی که محکوم شدگان جاسوسان اتحاد شوروی و آمریکا هستند و اعدام خواهند شد، خودداری کرد. این تاییدی است برابر این امر، که آنچه درباره ایران می‌شوند شایعات بلکه واقعیات مخوف است.

نویسنده مقاله - سیمون ولادیمیروف شاعر برجسته و مترجم نیز دست اشعار و ادبیات اسپانیولی به زبان بلغاری درهایان می‌نویسد: "بگذار اعتراض خود را علیه تساوت و اعمال ضد بشری، علیه پایمال کردن ابتدائی ترین حقوق انسانها اعلام کنیم".

حزب جدید در لهستان

ناینده‌گان کنکره یازدهم حزب متعدد کارگری لهستان با اکثریت ر. شکیل حزب چپ جدید را اعلام کردند. در بحث حاجی که در کنکره پیرامون ساختار حزب نوین چریان داشت حرف پرسش تصویب پیانیه نظری حزب بود. دو نام جدید برای حزب پیشنهاد شد: حزب سوسیال دمکرات لهستان و حزب سوسیال دمکرات جمهوری لهستان. کنکره تصمیم گرفت نام خود را به کنکره هیئت موسسان در تغییر دهد. اکثریت قاطع شرکت کنندگان در ره هیئت موسسان حزب جدیدی به نام حزب سوسیال دمکرات جمهوری لهستان را تشکیل دادند.

پیام شادپاکی به حزب استقلال و گارستکال

سیاسی - تشکیلاتی کنکره دوم (۱۹۸۴) پرداخت.

حزب توده ایران در پیام شادپاکی به سومین کنکره "حزب استقلال و گارستکال" در داکار برگزار شد.

در روزهای ۲ تا ۴ فوریه سومین کنکره "حزب استقلال و گارستکال" در داکار این کنکره، با توجه به تحولات مهمی، که اکنون در سراسر جهان، از جمله در آفریقا و سنتکال روی می‌دهد، به تجدید نظر تزهای

مفسران "پراودا" از پوادیست خبر می‌دهند که مرحله دوم چهاردهمین کنکره حزب سوسیالیستی کارگری مجارستان آغاز بکار کرد. چنانکه می‌دانم این کنکره هم از تشکیل حزب سوسیالیست مجارستان و انشباب در حزب سوسیالیستی کارگری در اواسط دسامبر سال ۱۹۸۹ شروع به کار کرد و پس از چند روز کار، جلسات خود را برای تنظیم اسند موکتاً تعطیل ساخت. در آن جلسه ارگان‌های رهبری حزب انتخاب شدند.

طی این ماهها چه حوادثی روی داد؟ به نوشته مفسران "پراودا" تعداد اعضاء حزب از ۶۵ هزار به ۸۲ هزار نفر افزایش یافت و حزب با انسجام درونی پیشتر مرحله دوم کنکره را آغاز کرد.

دوبلا تیورم، صدر حزب، در سخنرانی خود گفت که حزب توسعه کنده از حاظ اصولی از اشتباوهای گذشته فاصله می‌گیرد. به گفته وی سازمان‌های حزبی گزینی گرچه به سختی با وضع نوین دمساز می‌شوند و هرچه بیشتر فعال می‌گردند، با این وجود بیشتر به امور داخلی سرگرمند. او گفت که حزب راه دفعواری را باید طی کند و محصول آن عبارت خواهد بود از جامعه نوین سوسیالیستی.

صدر حزب خاطرنشان ساخت که در این اوآخر وضع در کشور پیش از شده و خطر احیاء سرمایه داری اشکارا جامعه را تهدید می‌کند. دولت مشکلات زیادی برای زحمتکشان بوجود آورده است. افزایش قیمت ها زندگی میلیون‌ها زحمتکش را به بن پست می‌کشاند. حراج مالکیت عمومی و فروش موسسات صنعتی به سرمایه داران خارجی ایجاد نگرانی عمیق کرده است. حزب کارگری سوسیالیستی مجارستان به چنین سیاستی صحنه نمی‌گذارد.

به گفته دوبلا تیورم وضع سیاسی در کشور رویه و خامت است. تهدید نیروهای چپ شکل علیه بخود گرفته است و افرادی حتی تحت تعقیب هستند. حزب سیاست کلیف برچسب زنی و نیز لحن زننده و شدآخلاقی مطبوعات را که مد روز شده، بشدت محکوم می‌کند. وی در پایان آمادگی حزب را برای همکاری با همه اتحادیه‌های کارگری اعلام داشت.

در بیانیه سیاسی مصوب کنکره، گذشته نه چندان دور از زیانی می‌شود. در سالهای ۱۹۸۸-۱۹۸۷ به ابتکار حزب سوسیالیستی کارگری مجارستان توسعه کشور و دمکراتیزه کردن جامعه آغاز شد. حزب توسعه شده امروز نیز خواهان ادامه دمکراتیزه کردن جامعه است. در هنین حال در "بیانیه" گفته می‌شود که امروز خطر از راست، خطر احیاء و استقرار نتایج سرمایه داری، کشور را تهدید می‌کند. کمونیست های مجارستان اهلمن می‌دارند: ما خواهان ایجاد چنان جامعه ای هستیم که برایه تبعیغ مالکیت استقرار باید، حزب سوسیالیستی کارگری مجارستان مخالف حاکمیت خصوصی نیست و برآن است که اولویت باید از آن ادامه در صنعت